

و تغییر جهان» و ورود به «دوران و نظمی جدید» مواجه هستیم. جهان کهنه، جهان «یکجانبه‌گرایی»، «سلطه‌طلبی»، «غلبه سرمایه بر اخلاق و عدالت و فضیلت»، «توسعه‌دهنده فقر و تبعیض و نابرابری»، «به‌کارگیری خشونت، تحریم و نقض حقوق ملت‌ها» و «استفاده از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی به‌عنوان ابزار فشار بر کشورهای مستقل» بوده و در یک کلام، جهانی از هر نظر ناعادلانه است. این نظم ناعادلانه، مشروعیتش را در افکار عمومی دنیا از دست داده و اراده‌های جدی برای تغییر آن شکل گرفته است. زوال این نظم کهنه تردیدناپذیر است. منطقه ما، یعنی غرب آسیا از افغانستان تا عراق، لبنان، فلسطین و ایران سربلند، موزه بزرگ زوال این نظم کهنه است.

علاوه بر آن، تهدید فزاینده تروریسم و افراط‌گرایی، انحطاط فرهنگی و زوال اخلاق سیاسی، تضعیف بی‌سابقه چندجانبه‌گرایی و رشد بیمارگونه اقدامات نامشروع یک‌جانبه، چالش‌های بزرگی بر سر راه پیشرفت همه‌جانبه و تعالی بشر پدید آورده‌اند.

ما بر این باوریم که برای مقابله با تهدیدهای دیرین و معضلات نوین جهانی، گزینه‌ای جز همبستگی و همکاری در چارچوب چندجانبه‌گرایی مبتنی بر عدالت، و براساس اصول و ارزش‌های متعالی انسانی منبعث از آموزه‌های انبیای الهی وجود ندارد.

حضار محترم

همه ملت‌های آزاده دل در گرو این ارزش‌های والا دارند، اما همین سلسله‌باورها، دلیل همه دشمنی ظالمان جهان با ماست. آنچه ما می‌خواهیم «حقوق ملت ایران» است و رابطه مبتنی بر ظلم را بر نمی‌تابیم. ما پای حقوق ملت خود ایستاده‌ایم. ما بر این باوریم که هرگونه رابطه ستمگری به ضرر صلح و امنیت جهانی است و مهم‌ترین تهدید برای جامعه جهانی، «عادی‌انگاری ظلم» است. دست یافتن به امنیت جهانی از هر طریقی غیر از عدالت، پایدار نخواهد ماند و این همان چیزی است که ما از سازمان ملل انتظار داریم انجام دهد.

آری، اجرای عدالت سخت است و شاید به همین دلیل باشد که بسیاری از مدعیان صلح از عدالت گریزانند. سؤال ما از دولت‌های مدعی آن است که اگر اراده‌ای برای اجرای عدالت ندارید، آیا تمایلی برای مقابله با ظلم هم ندارید؟

منطق ما ریشه در همان فرهنگ قرآنی دارد که فرمود «نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم بروید». سرنوشت بسیاری از ملت‌ها با همین عبارت رقم می‌خورد. کسانی که از «قدرت منطق» بی‌بهره‌اند به «منطق زور» متوسل می‌شوند. منطقی که بر پایه عدالت باشد، قدرت‌ساز است و بر دل‌ها حکومت می‌کند. کشوری که منطق ندارد، متوسل به کودتا، اشغالگری، مداخله نظامی، لشکرکشی، برخورد گزینشی با تروریسم و چه بسیار ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌های دیگر می‌شود. آیا توسل به سلاح اتمی، جهان را به سوی عدالت سوق داد یا زمینه سلطه‌گری شد؟ کشته شدن صدها هزار کودک عراقی، یمنی، سوری و افغان در خدمت کدام آرمان بشری بوده است؟ آیا این‌ها جلوه‌های ظلم و بی‌عدالتی در جهان نیستند؟

راستی ایران چه چیزی غیر از مطالبه حقوق قانونی و عادلانه خود خواسته است که زورمداران عالم برآشفته شده‌اند؟

همکاران محترم

امروز هژمونی‌طلبی و روحیه جنگ سرد دنیا را آزار می‌دهد و دوران جدیدی از ناآرامی، جهان ما را تهدید می‌کند. خواست ملت‌های جهان برای تحقق عدالت، شدیدتر و اراده‌آنها برای پیشرفت، استقلال و